

بمبئی

جناب بهمد بهرام و کنیز درگاه الهی ضجیعش دولت جمشید جناب رستم بهمد و روح‌الله و روح‌انگیز یادگاران کیومرث
علیهم بهاء الله الأبھی

هو الله

ای یاران و یاوران عبدالبهاء فرصت ندارم مهلت نیابم مشاغل و غوائل بی‌پایان و رسائل مانند باران و از این گذشته جناب شیخ
فرج‌الله الآن مانند حسین کُرد با گُرز و تُوپز حاضر و ترجمه آثار و تصحیح آن آرزو می‌فرماید من در چنین حالتی بذکر شماها
مشغول و بنگارش این نامه پرداختم تا بدانید که چه قدر عزیزید باری اگر فرصت داشتم هر یک را نامه مخصوص مینگاشتم ولی
مهلت ندارم بهمین قدر کفایت فرمائید

ای پروردگار خورشید بهمد مادر خسرو پری بگشود و بایوان تو پرواز نمود از دیوان بگریخت تا در پناه تو امان یابد ای
ایزد پاک نظر بقصور مفرما تو رب غفوری بعدل معامله مفرما تو مالک فضل موفوری عصیان هرچند بی‌پایانست عفو و غفران تو
اعظم از آن توئی رحیم و بخشنده و مهربان

عبدالبهاء عباس

۲۸ ربیع‌الثانی ۱۳۳۸

حیفا